

فریقین  
در نگاه

مصطلحات حدیثی

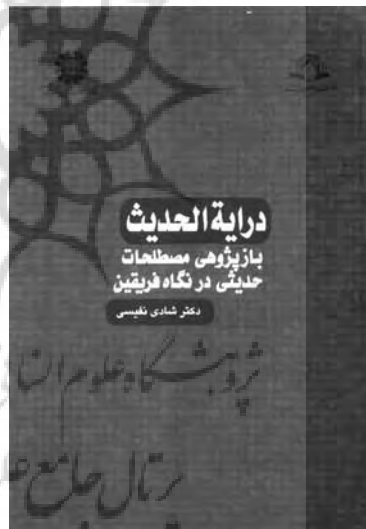
شادی نفیسی

## درایة الحدیث؛ بازپرو،

درایة الحدیث، از جمله دانش‌هایی است که در راستای سامان-مند نمودن شناخت حدیث در قرون اولیه اسلام شکل گرفته است؛ در این دانش، به موضوعات مختلفی در ارتباط با اصطلاحات مورد استفاده محدثان، اعتبار اقسام حدیث و آداب و شیوه‌های مختلف، مقل حدیث و موضوعات کلی دیگر در ارتباط با سند و متن حدیث پرداخته می‌شود. اولین نگاه‌اشته مستقل در این موضوع، متعلق به قرن چهارم است و از آن زمان تاکنون مجموعه‌های مختلفی بین شیعه و اهل سنت، در این دانش تدوین شده است، با این حال عمر فارسی‌نگاری در این موضوع، کوتاه است. از اولین اثر فارسی در این موضوع، از کتاب دکتر شانه‌چی می‌توان یاد کرد که سال‌ها پیش از انقلاب نگاه‌اشته شده است. البته گفتنی است، پس از انقلاب، با گسترش رشته‌های تخصصی الاهیات، آثار متعددی در این باره به فارسی تدوین شده است.

اثر حاضر، تلاش کرده تا با در نظر گرفتن برخی ملاحظات، کار جدیدی را به مخاطبان فارسی‌زبان، از دانش‌جویان و علاقه‌مندان ارائه دهد.

این کتاب، در چهار فصل سامان یافته است؛ فصل اول به مباحث مقدماتی در تعریف علم درایه و جایگاه آن در دانش‌های حدیثی و سیر تاریخی نگارش در این موضوع پرداخته است. در فصل دوم پانزده مورد از مفاهیم اولیه در این موضوع، مانند حدیث و مترادفات آن، سند و مترادفات آن، متن، شیخ و طبقه و اسامی خاص برای برخی طبقات، مثل صحابه و تابعی و... آمده است. فصل سوم، بخش اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد و به تقسیمات خبر اختصاص دارد. این فصل، با بحثی مقدماتی درباره حجیت سنت و شروط آن آغاز شده، سپس اقسام خبر با یک تقسیم کلی خبر به متواتر و آحاد و نُه تقسیم مختلف برای خبر که ۵۱ قسم را دربر می‌گیرد، آمده است.



شادی نفیسی،

درایة الحدیث؛ بازپرویی

مصطلحات حدیثی در نگاه

فریقین، تهران: سازمان

مطالعه و تدوین کتب علوم

انسانی (سمت) و دانشکده

علوم حدیث، ۱۳۸۶

در فصل چهارم، مباحث تکمیلی در دو بخش، طرق تحمل حدیث و اقسام کتاب‌های حدیثی ارائه شده‌اند.

در این کتاب، به رعایت نکات ذیل اهتمام بوده است:

۱. در تعریف هر اصطلاح، اعم از آن که در شمار مفاهیم اولیه باشد یا اقسام خبر، معنای لغوی در کنار معنای اصطلاحی، به منظور روشن ساختن پیوند اصطلاح با معنای اصلی آن ذکر شده است.

۲. در همه موارد به دیدگاه فریقین، به اصطلاح یاد شده، توجه شده است و در وضع اطلاعات پیوند وثیقی بین دیدگاه شیعه و اهل سنت وجود دارد، در برخی موارد، تعریف شیعه اقتباسی از اهل سنت یا همسو با آن بوده، در حالی که در پاره‌ای اوقات، دیدگاهی کاملاً متفاوت از آن‌ها دارد. گفتنی است، توجه به این تشابه‌ها و اختلافات، اهمیت بسیاری در درک بهتر اصطلاحات دارد.

۳. ارائه نمونه برای تمام موارد، از منابع شیعی، در حالی که بسیاری از کتاب‌های درایه به ذکر مثال‌هایی که در منابع اهل سنت آورده، اکتفا شده است.

۴. ارائه تمرین و تحقیق، برای کل مباحث، برای تثبیت و گسترش آموخته‌های دانش‌جویان و مخاطبان، علاوه بر این، در بخش اصلی کتاب، یعنی در فصل سوم، موارد دیگری نیز مورد توجه بوده است:

الف) در این بخش (سوم)، ۵۱ قسم حدیث که در شمار اقسام خبر واحد تلقی می‌شوند؛ به جای این که به شکل موردی و به ترتیب الفبایی یا غیر آن ارائه شوند و یا این که به شیوه برخی از کتاب‌ها، در قالب دو دسته‌بندی کلی «اقسام حدیث ضعیف» و «اقسام مشترک» بیابند، در قالب نه تقسیم کلی که در آن این احادیث با توجه به مشابهت‌هایی که ویژگی‌های سند یا متنی داشته‌اند، طبقه‌بندی شده‌اند. این شیوه دسته‌بندی در کتاب‌های درایه کمتر مورد توجه بوده است و تنها از گذشتگان، شیخ بهایی، به شکلی اجمالی و از معاصران نورالدین عتر، به شکل کامل‌تری آن‌را به کار گرفته‌اند. استفاده از این شیوه، امکان یادگیری این اقسام را با مقایسه آن‌ها با یکدیگر و توجه به مشابهت‌ها و تفاوت‌ها، آسان‌تر می‌سازد.

ب) در این بخش، در بحث از هر اصطلاح، تلاش شده تا ساختار ثابتی برای معرفی هر اصطلاح دنبال شود و در هر مورد، ابتدا، معنای لغوی و سپس معنای اصطلاحی آمده است و نیز در ارائه تعریف اصطلاح، از نقل اقوال مختلف که در طول تاریخ شکل‌گیری آن پدیدار گشته، پرهیز شده است. اختلاف گسترده درباره یک اصطلاح، هدف از ایجاد آن‌را که تسهیل گفت‌وگو بین اهل این رشته بوده، نقض می‌کند، لذا لازم است از بین تعاریف مختلف، در صورت امکان، یکی ترجیح داده شود. شایع بودن کاربرد یک معنا، ملاک اصلی گزینش آن بوده که البته در مواردی نیز با توجه به رواج چند معنا، به بیش از یک مورد اشاره شده است. و نیز به منظور پرهیز از طولانی شدن

بحث و سر در گم شدن دانش‌جویان، از علت ترجیح یک معنا بر دیگری در متن سخنی نرفته است، اما در پاورقی به‌نهایت اختصار و بعضاً با یادکرد منابع متعدد که مؤید آن باشد، علت این گزینش منعکس شده است.

ج) در این پژوهش، مهم‌ترین منابع درایه در شیعه و اهل سنت (هشت مورد شیعه و نه مورد اهل سنت) مورد استفاده قرار گرفته است، که البته در برخی مباحث از کتاب‌های دیگری نیز استفاده شده است. از آن‌جا که در معرفی اصطلاحات، شیوع کاربرد آن در یک معنا، اهمیت داشته، در عموم موارد، در پاورقی به دیدگاه تمام این منابع، در صورتی که به اصطلاح یاد شده پرداخته باشند، اشاره رفته است و اختلاف‌های آن‌ها بازگو شده است، تا خوانندگان تصویری دقیق‌تر از جایگاه این اصطلاح، نزد صاحب‌نظران داشته باشند. البته این امر موجب شده تا در پاورقی‌ها اسامی کتاب‌ها تکرار شوند.

د) در تمام موارد این بخش، تعریف عربی اصطلاح مورد بحث آورده شده تا دانش‌جو، ارتباط خود را با منابع اصلی از دست ندهد و با اصل تعاریف در منابع اصلی آشنا شود.

ه) در بحث از هر دسته، اصطلاح اعتبار آن قسم حدیث به لحاظ صحت و ضعف، بیان شده است.

در کتاب حاضر، در انتهای هر مبحث، خلاصه‌ای از مطالب آن آمده است که امکان مرور سریع مباحث را میسر می‌سازد. افزون بر این که درباره هر اصطلاح، نگاشته‌هایی که در آن‌ها این دسته از احادیث یافت می‌شوند، معرفی شده‌اند.

از کاستی‌های این کتاب، این است که آن، فاقد هرگونه نمایه است و فهرست مطالب آن نیز بسیار اجمالی و ناکارآمد می‌باشد، به‌ویژه آن که نام اقسام پنج‌گانه حدیث ذیل تقسیمات نه‌گانه نیامده است و این امر بازبایی یک اصطلاح خاص را در کتاب، بسیار دشوار می‌سازد. با این‌همه در صفحه ۲۹۶ کتاب و در پایان فصل سوم، نمودار کلی از تقسیمات خبر با ذکر اقسام حدیث آمده است که می‌تواند تا حدی این کاستی را جبران کند. ■